

ماهیت قتل ناشی از حوادث رانندگی از دیدگاه فقه و حقوق

قربان فیاض غوری*

چکیده

مسأله تصادفات ترافیکی و جرایم رانندگی و قتل و جرح ناشی از آن، جزو مباحث مهم فقهی و حقوقی است که مشخص کردن ماهیت و مسؤول حادثه هم از جنبه جبران و هم نوع ضمان اهمیت دارد. با این که بشر امروز برای حمل و نقل انسانی و کالا ابزاری مدرن زمینی، هوای و دریایی در اختیار گرفته است اما تبعات ناشی از حوادث این نقل و انتقالات بسیار جدی و نگران کننده است و یکی از علل عمده مرگ و میر حوادث ترافیکی در دنیا یاد شده است؛ تا جایی که باعث شده است دولت‌ها سیاست کیفری ویژه‌ای را برای حوادث رانندگی در دستور کار قضایی خودشان بگیرند. این پژوهش مختصر به منظور روشن شدن ماهیت قتل ناشی از حادثه ترافیکی انجام شده است، تا آن جا که بضاعت مزجات نگارنده اقتضا کرده است این پژوهش در دو گفتار به سرانجام رسیده است. بعد از مقدمه و طرح مسأله؛ گفتار اول به تعریف و اقسام قتل از دیدگاه فقه و حقوق پرداخته است، در روشنی انواع قتل است که می‌توان به ماهیت نامعلوم قتل ناشی از رانندگی دست یافت. در گفتار دوم در ضمن دو بند به تحلیل و بررسی قتل ناشی از حوادث رانندگی همت گمارده شده و بیش‌ترین تمرکز در بحث به مسأله تقصیر است و نگارنده باورمند است که مسأله تقصیر راننده ماهیت قتل ناشی از حوادث رانندگی را به قتل شبه‌عمد تغییر می‌دهد، راننده که مقصر است دلیلی ندارد که ما مسؤولیت را بر عاقله او تحمیل نماییم؛ چون مسؤولیت داشتن عاقله خلاف اصل است که نیاز به دلیل شفاف دارد.

واژگان کلیدی: قتل، قتل ناشی از حوادث رانندگی، فقه، حقوق.

مقدمه

امروزه بشر برای سهولت در سیر و سفر، عبور و مرور و رفت آمد، وسایل و ماشین آلات متعدد و متفاوتی زمینی، هوای و آبی را ساخته است و تا اندازه‌ای توانسته است زمینه‌ی آسایش و رفاه را در این زمینه، فراهم کند. دستارودها و فواید در زمینه‌ی وسایل نقلیه بر هیچ کسی پوشیده نیست اما از طرف دیگر صدمات ناشی از تخلفات رانندگی و حوادث ناگوار ترافیکی، روزانه مشکلات و فشار شدیدی را بر نوع بشر وارد می‌سازد و در بعضی از کشورها یکی از علت‌های شایع مرگ، حوادث رانندگی است که در اثر تخلفات و تصادف‌ها، روزانه تعداد زیادی را به کام مرگ می‌کشاند و تعدادی زیادی را مجروح و معلول با نقص عضو به جای می‌گذارد. حوادث ناگوار ترافیکی و صدمات ناشی از تخلفات رانندگی باعث شده است که دولت‌ها و قانون‌گذاران آن‌ها سیاست کیفری جداگانه را روی دست گیرد و برای جلوگیری از زیان‌ها و حوادث ناگوار ترافیکی، مقررات جداگانه‌ای به تصویب برساند.

بنابراین؛ فلسفه قانون‌گذاری جداگانه و اهمیت دادن به این مسئله؛ با توجه به صدمات و مشکلات ناشی از تخلفات رانندگی بر هر منصفی روشن خواهد شد و خواهد دانست که چنین امری سیاست کیفری مستقل و جداگانه‌ای ایجاب می‌کند. دولت‌ها برای تخلفات رانندگی، مقررات جداگانه و سیاست کیفری خاصی را در پیش می‌گیرد.

صرف نظر از این که چنین ضمانت اجرای کیفری در کاهش آمار تصادفات و صدمات ناشی از حوادث ناگوار ترافیکی مؤثر بوده یا خیر؟ به بررسی ماهیت قتل و ضرب و جرح ناشی از تخلفات رانندگی می‌پردازیم.

ناگفته نماند که منظور از حوادث و تخلفات رانندگی، حوادثی است که عامل انسانی در آن دخیل باشد مانند حوادث رانندگی و حادثه ناشی از کار و...، اما حوادثی که عامل انسانی در آن دخیل نباشد مانند سیل، زلزله، برف کوج و...، مورد هدف این پژوهش نیست.

اصل بحث و مسئله مورد پژوهش این است که حوادث ناشی از تخلفات رانندگی که منجر به قتل یا ضرب و جرح می‌شود با توجه به تعریف قتل عمد، شبه عمد و خطای محض؛ از لحاظ ماهیت روشن نیست و به راحتی نمی‌توان حکم کرد که قتل یا ضرب جرح در این حوادث شبه عمد یا خطای محض است و چنین عملی را نمی‌توان شبه عمد دانست زیرا در جنایات شبه عمد، جانی قصد انجام عمل روی مجنی^۱ علیه را دارد اما در فرض مورد بحث، راننده یا کارفرما، پیمانکار و...، قصد انجام این که شخص آسیب دیده چنین آسیبی را ببیند ندارند.

پس به سادگی نمی‌توان گفت: قتل ناشی از حوادث رانندگی، در زمره قتل شبه عمد است و دیه را مرتکب بپردازد. از طرف دیگر به راحتی نمی‌شود گفت قتل خطای محض است و دیه را عاقله بپردازد چون ضمان عاقله امری است خلاف قاعده و تنها در مواردی می‌توان پذیرفت که نص یا اجماعی وجود داشته باشد، در حالی که در مسأله مورد بحث نص و اجماعی در ضمان عاقله وجود ندارد و منطقی نیست که اقرای مرتکب که هیچ نفعی در قضیه ندارد و اصلاً از همه چیز بی‌خبر است و چه بسا با هم ارتباطی نداشته باشند و حتی با هم خصومت داشته باشند، ما آن‌ها را ملزم به پرداخت دیه نماییم.

برای روشن شدن مسئله ما ناگزیریم تعریف شفاف و مختصری از اقسام قتل ارایه کنیم و بعد به بررسی ماهیت قتل ناشی از حوادث رانندگی بپردازیم، تا خواننده محترم که کم‌تر با مباحث حقوق جزا سر و کار دارد به آسانی مطلب را درک کند.

الف. اقسام قتل و تعاریف آن‌ها

در فقه امامیه قتل را سه قسم: عمد، شبه عمد و خطای محض ذکر کرده اند (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۳۳؛ حلی، ۱۴۰۸: ۲۲۸/۴) در فقه اهل سنت به غیر از مالک که دو قسم ذکر کرده اند و قتل شبه عمد را منکر شده است (ابن رشد، ۱۴۱۵: ۳۲۶-۳۲۵؛ ابن حزم، [بی‌تا]: ۳۴۳) ابوحنیفه و شافعی از اهل سنت، قتل شبه عمد را پذیرفته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: ۵، ۲۱۸) و اقسام قتل سه قسم دانسته اند و در بین بقیه اهل سنت در اقسام قتل اختلاف نظر وجود دارد.

۱. قتل عمد

حقوق دانان کیفری، قتل عمد را به عنوان «سلب عمدی حیات انسان دیگری» تعریف نموده اند (آزمایش، سال تحصیلی ۶۳-۶۲). در یک تعریف دیگر قتل عمد را «سلب ارادی حیات انسان زنده به وسیله‌ی انسان دیگری به طریق پیش‌بینی شده در قانون است» تعریف کرده است (سپهوند، ۱۳۸۸: ۳۰). کد جزای افغانستان در ماده ۵۴۶ قتل عمد را چنین تعریف می‌کند: «قتل عمد عبارت است از بین بردن حیات شخص زنده دیگر با داشتن قصد قتل».

مشهور فقهای امامیه معتقدند؛ قتل عمدی وقتی محقق می‌شود که فردی با انجام هر کاری خواه کشته یا غیرکشته قصد سلب حیات دیگری را داشته باشد و یا این‌که اگر قصد سلب حیات ندارد با کار نوعاً کشته، وی را از پای درآورد و به قتل رساند و یا این‌که هرچند کار نوعاً کشته نباشد، اما با در نظر گرفتن وضعیت مجنی علیه از قبیل پیری یا بیماری یا کودکی نسبت به او کشته تلقی شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۰، ۱۰۶). از مفاد بیان متذکره می‌توان در تعریف قتل عمدی از دیدگاه فقه امامیه چنین گفت: «سلب عمدی حیات انسان دیگر» در این تعریف قصد انجام کار نوعاً کشته با علم به کشته بودن آن و یا علم به کشته بودن آن نسبت به وضعیت طرف (مجنی علیه) جانشین قصد سلب حیات یا قصد نتیجه می‌شود. از نظر فقها تحقق علم مذکور ضرورت دارد و این علم همانند «قصد سلب حیات» است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۵: ۳). بنابراین، غالباً در قتل عمل، جانی هم قصد فعل دارد و هم قصد نتیجه را.

۲. شبهه عمد

در قتل شبهه عمد، مرتکب به انجام کاری روی جسم مجنی علیه مبادرت می‌ورزد که نوعاً کشته نیست و به علاوه قصد سلب حیات نیز ندارد. اما در عمل منجر به مرگ وی می‌شود. مثل این‌که شخص سالم و با جثه‌ی نسبتاً خوبی را از بلندی کوتاهی پایین پرت کنند، ولی اتفاقاً فرد مذکور پس از سقوط فوت کند در حالی که معمولاً پرت کردن از چنین جایی اتفاق نمی‌افتد. شهید ثانی از فقهای مشهور امامیه در این خصوص تصریح به عدم لزوم عدوانی بودن فعل نموده است (شهید ثانی، پیشین). بنابراین؛ غالب

فقها، طبیبی را که حاذق است و با اذن مریض مبادرت به عمل جراحی وی می‌نماید و موازین علمی و فنی را هم رعایت می‌کند، در صورت فوت او مسؤول می‌دانند (همان، ۱۰۸). قتل وقتی شبهه عمد محسوب می‌شود که مرتکب دارای سوء نیت عام (قصد جرح یا ضرب) روی جسم مجنی‌علیه باشد ولی بدون این که قصد نتیجه (سلب حیات) موجود بوده و ضرب یا جرح نوعاً کشنده باشد، در عمل منجر به فوت وی می‌گردد. بنابراین، فعل مرتکب باید غیر مجاز یا عدوانی باشد، در غیر این صورت «قتل شبهه عمد» تحقق پیدا نمی‌کند (مؤذن‌زادگان، پیشین: ۲).

بنابراین، قتل شبهه عمد آنست که قصد فعل را دارد اما قصد نتیجه را ندارد. قصد ضرب و جرح روی مجنی‌علیه را دارد اما این که با این ضرب و جرح او کشته شود را ندارد.

قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ شمسی، در ماده ۲۹۱ تبیین می‌کند: «جنایت در موارد زیر شبهه عمدی محسوب می‌شود:

الف. هرگاه مرتکب نسبت به مجنی‌علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد.

ب. هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی‌علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

پ. هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط به این که جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول جنایت عمدی نباشد».

با عنایت به این ماده قانونی، بنده «پ» این ماده خیلی بدرد پژوهش مورد نظر می‌خورد و نگارنده بعداً در مرحله بررسی و تحلیل ماهیت قتل و جرح ناشی از رانندگی به این بند از ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی و مخصوصاً کلمه «تقصیر» خیلی کار دارد.

کود جزای افغانستان در ماده ۵۵۱ تحت عنوان ضرب و جرح منجر به مرگ چنین مقرر می‌دارد: «شخصی که بدون داشتن قصد قتل علیه شخص دیگری با وارد نمودن ضرب، جرح یا دادن مواد مضره و یا با ارتکاب هر نوع عمل مخالف قانون، عمداً تجاوز نماید به نحوی که فعل او منجر به مرگ مجنی‌علیه گردد، مرتکب ضرب یا جرح منجر به مرگ شناخته شده مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد».

مجازات ضرب و جرح منجر به مرگ در این قانون در ماده ۵۵۲ چنین بیان گردیده است: «مرتکب ضرب یا جرح منجر به مرگ به حبس طویل^۱، محکوم می‌گردد». به نظر می‌رسد، ضرب یا جرح منجر به مرگ که در قانون جزای افغانستان تعبیر شده است همان قتل شبه عمد است.

۳. قتل خطای محض

در این نوع قتل، مرتکب نه دارای قصد فعل روی جسم مجنی‌علیه و نه قصد سلب حیات اوست. لکن مبادرت به انجام کاری یا قصد روی شیء یا شخصی یا موجود مورد نظر خود می‌کند که اتفاقاً منجر به قتل وی می‌شود (شهید ثانی، پیشین؛ مؤذن زادگان، پیشین: ۴). یکی از حقوق‌دانان کیفری در تعبیر دیگر قتل خطای محض را چنین تبیین می‌کند: «قتل خطای محض در موردی است که مرتکب بدون این که قصد فعل واقع شده بر مقتول را داشته و خواهان حصول نتیجه نیز باشد مرتکب قتل می‌شود. به عبارت دیگر، در قتل خطایی مرتکب قصد فعل دارد اما قصد فعل واقع شده نسبت به مجنی‌علیه را ندارد و نتیجه حاصله نیز مورد نظر او نمی‌باشد. به عنوان مثال شخصی به قصد شکار حیوانی به سوی آن اقدام به شلیک گلوله می‌کند اما گلوله به انسانی برخورد و سبب مرگ او می‌شود در این جا مرتکب قصد تیراندازی دارد و آن را با اختیار و اراده انجام می‌دهد اما قصد اصابت گلوله به مقتول را ندارد و نتیجه (مرگ) را نیز نمی‌خواهد» (سپهوند، پیشین: ۱۷۷).

^۱ مدت حبس طویل در قانون افغانستان بیش از پنج سال تا شانزده سال است. (کد جزا، ماده ۱۴۷).

قانون مجازات اسلامی ایران در بند «پ» ماده ۲۹۲ چنین می‌گوید: «جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی‌علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آن که تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید»

کود جزای افغانستان در ماده ۵۵۴ در رابطه به قتل خطا چنین مقرر می‌دارد: «شخصی که به اثر خطای ناشی از اهمال، غفلت، بی‌احتیاطی، بی‌پروایی یا عدم مراعات قانون، مقررات، یا اوامر، دیگری را به قتل برساند یا بدون عمد، سبب قتل گردد، مرتکب قتل خطا شده، مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد». در آینده به تحلیل و بررسی این ماده برمی‌گردیم.

ب. تحلیل و بررسی قتل ناشی از حوادث رانندگی

۱. ارکان تشکیل دهنده حوادث رانندگی

۱.۱. رکن قانونی

قانون‌گذار افغانستان در ماده ۵۵۷ کد جزا حادثه ترافیکی را چنین تعریف و جرم‌انگاری کرده است: «(۱) حادثه ترافیکی واقعه‌ای است که از اثر اهمال، غفلت، بی‌احتیاطی، عدم رعایت قوانین، مقررات یا لوائح ترافیکی حادث گردیده و منجر به فوت یا خساره جسمی یا مالی می‌گردد.

(۲) مرتکب حادثه ترافیکی مندرج فقره (۱) این ماده مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد».

قانون‌گذار افغانستان جرایم و حادثه ترافیکی را به سه دسته تقسیم کرده است و از لحاظ شدت و خفت حادثه؛ مجازات هر کدام را متناسب به حادثه ذکر کرده است و امتیازی که به نظر می‌رسد این است که نسبت سنجی بین جرم و مجازات و در نظر گرفتن تناسب بین جرم و مجازات از نقاط قوت این قانون باشد.

قانون‌گذار افغانستان در ماده ۵۵۸ چنین می‌گوید: «حادثه ترافیکی از نظر نتیجه شامل حادثه ترافیکی سنگین، متوسط و کوچک می‌گردد:

حادثه ترافیکی سنگین حالتی است که منجر به فوت، معلولیت دائمی عضو شخص یا ضرر مالی بیش از یک صد هزار افغانی، شود.

حادثه ترافیکی متوسط حالتی است که منجر به ضرب یا جرح شدید، شکستن عضو یا ضرر مالی بیش از پنجاه هزار تا یکصد هزار افغانی، شود.

حادثه ترافیکی کوچک حالتی است که منجر به ضرب یا جرح خفیف و یا ضرر مالی تا پنجاه هزار افغانی، شود.»

در ماده ۵۵۹ مجازات هردسته را بیان می‌کند:

شخصی که مرتکب حادثه ترافیکی سنگین گردد، در صورت فوت یا معلولیت دایمی علاوه بر جبران خساره وارده به حبس متوسط^۱ و در صورت وارد نمودن ضرر مالی علاوه بر جبران خساره، به جزای نقدی از پنجاه هزار تا یکصد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

شخصی که مرتکب حادثه ترافیکی متوسط گردد، در صورت وارد نمودن ضرب یا جرح شدید یا شکستن عضو علاوه بر جبران خساره وارده به حبس متوسط تا سه سال و در صورت وقوع ضرر مالی علاوه بر جبران خساره، به جزای نقدی از بیست و پنج هزار تا پنجاه هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

شخصی که مرتکب حادثه ترافیکی کوچک گردد، احکام قانون ترافیک جاده بالایی وی تطبیق می‌گردد.»

قانون‌گذار ایران در ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی راجع به جرایم ناشی از تخلفات رانندگی می‌گوید: «هرگاه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیرعمدی شود، مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود».

ماده ۴۰۰ و نهم قانون ترافیک جاده افغانستان می‌گوید: «(۱) در صورتی که حادثه ترافیکی منجر به فوت شخص گردد، در تثبیت جبران خساره مصارف تکفین و تدفین شامل می‌شود.

۱. حبس متوسط مطابق کد جزای افغانستان بیش از یکسال تا پنج سال است. (کود جزا، ماده ۱۴۷).

(۲) در صورتی که حادثه ترافیکی منجر به جرح گردد جبران خساره شامل مصارف تداوی و خسارت مالی ناشی از آن می‌باشد.

۲.۱. رکن مادی

الف. وجود شخص زنده

اولین رکن مادی قتل ناشی از تخلفات رانندگی وجود شخص زنده‌ای است که حیات او مورد تعرض قرار گیرد و به مرگ او منتهی شود.

ب. فعل مرتکب

دومین جزء از رکن مادی قتل ناشی از تخلفات رانندگی آن است که مرتکب با میل و اراده خود اقدام به رانندگی یا تصدی وسیله‌ی موتوری کند اما به‌خاطر تقصیر، منجر به مرگ دیگری شود. بنابراین، هر رانندگی منتهی به مرگ موجب تحقق مسئولیت نمی‌باشد، بلکه در صورت تقصیر راننده مسئول وقوع حادثه است. در ماده ۵۵۷ قانون جزای افغانستان مواردی را که راننده مقصر دانسته می‌شود، نام می‌برد که چنین است: «اهمال، غفلت: بی‌مبالائی، غفلت، مسامحه، سهل‌انگاری و اهمال از نظر معنا مترادف‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۱: ۱، ۲۴۹). مقصود اموری است که راننده‌ی وسیله‌ی نقلیه نباید انجام دهد اما آن‌ها را مرتکب می‌شود (سپهوند، پیشین: ۱۸۹). به نظر می‌رسد؛ همه‌ی این‌ها انجام فعل باشد در جایی که نباید مرتکب شود مثلاً نباید با تلفن همراه یا کنار دستی خود صحبت کند اما می‌کند و این منجر به تقصیر راننده می‌شود.

بی‌احتیاطی: در امر رانندگی بی‌احتیاطی به معنای اقداماتی است که راننده مکلف به انجام آن‌هاست اما آن‌ها را انجام نمی‌دهد. به عبارت دیگر، انجام ندادن اموری که راننده باید انجام بدهد و در واقع همان ترک فعل است.

به عنوان مثال مطابق مقررات، راننده‌ی وسیله نقلیه، زمانی می‌تواند حرکت نماید که درهای آن کاملاً بسته باشد، حال اگر راننده ملی بس به واسطه ازدحام ملی بس درهای آن را نبندد و یکی از مسافران از داخل راهرو یا روی رکاب بر اثر کثرت فشار جمعیت تعادل به هم خورده و به بیرون پرتاب شود مرتکب بی‌احتیاطی شده است.

عدم رعایت قوانین، مقررات یا لوایح ترافیکی: مقصود از رعایت قوانین و مقررات یا لوایح ترافیکی؛ مجموعه وظایف و تکالیفی است که به مناسبت شغل و حرفه به عهده صاحبان حرف و مشاغل می‌باشد و عدم رعایت آن‌ها سبب ایجاد مسؤولیت می‌گردد. بنابراین، در امر رانندگی نیز اشخاص مکلفند که کلیه قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت کنند و گرنه در صورت وقوع حادثه دارای مسؤولیت می‌باشند.

به عنوان مثال سوار نمودن مسافر بر روی بار خلاف مقررات راهنمایی و رانندگی است. حال اگر راننده موتر باری به چنین امری توجه نکند و اقدام به سوار نمودن مسافر نماید و در سرازیری به علت پاره شدن لوله بریک، موتر واژگون و در نتیجه مسافر مذکور فوت کند راننده مرتکب تخلف از قوانین و مقررات گردیده است.

۳.۱. رکن معنوی

رکن معنوی یا روانی قتل ناشی از تخلفات رانندگی موضوع فقره ۱ ماده ۵۵۷ کد جزا، عبارت از اهمال و غفلت، بی احتیاطی، عدم رعایت قوانین، مقررات و یا لوایح ترافیکی است که در بحث از رکن مادی توضیح داده شد اما نکته قابل ذکر این که باید میان تقصیر راننده و وقوع تصادف رابطه‌ی علیت وجود داشته باشد، زیرا صرف احراز تقصیر راننده برای اعمال مجازات کافی نیست. بنابراین، چنانچه یکی از مصادیق بی احتیاطی، اهمال و غفلت، عدم رعایت قوانین، مقررات و لوایح ترافیکی، عدم مهارت از طرف راننده تحقق یابد، اما تأثیری در مرگ متوفی نداشته باشد، راننده مسؤول و قابل تعقیب نخواهد بود. در بند بعدی به این مسأله بیش‌تر پرداخته خواهد شد.

۲. تقصیر و تغییر ماهیت قتل ناشی از رانندگی

نکته‌ی اساسی که به آن باید توجه شود و به نظر می‌رسد ماهیت قتل ناشی از تخلفات رانندگی را تغییر می‌دهد مسئله تقصیر است، که در خصوص قتل‌های ناشی از تخلفات ترافیکی و جرایم مشابه رابطه‌ی علیت میان فعل متهم و حادثه‌ی مورد توجه نیست بلکه میان تقصیر و حادثه‌ی منجر به مرگ مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ زیرا در چنین مواردی همواره بین فعل متهم که رانندگی است و حادثه رابطه‌ی علیت وجود دارد. به عبارت دیگر، هنگامی که وسیله‌ی نقلیه‌ای با عابری تصادف می‌کند چنانچه

رابطه‌ی علیت یا سببیت میان فعل راننده و حادثه‌ی منجر به مرگ بررسی شود همیشه چنین رابطه‌ای وجود دارد و در تمامی حالات باید راننده را مسؤول حادثه دانست در حالی که چنین ترتیبی صحیح نیست. بنابراین، قاعده و معیار تعیین مسؤولیت وجود رابطه‌ی علیت میان تقصیر و حادثه‌ی منجر به مرگ است نه میان فعل مرتکب و حادثه‌ی که ایجاد شده است لذا در فرضی که میان تقصیر مرتکب و وقوع حادثه هیچ‌گونه رابطه‌ی علیتی موجود نباشد مسؤولیتی نیز وجود نخواهد داشت و نباید به اشتباه مقارن بودن وقوع حادثه و تقصیر را دلیل بر وجود رابطه‌ی علیت دانست. بنابراین؛ تقصیر ماهیت قتل در حوادث رانندگی را از خطا به شبه عمد تغییر می‌دهد چون منطقی نیست آن جانی‌یی که تقصیر داشته و در اثر تقصیر جنایتی را مرتکب شده است ما مسؤولیت را متوجه او نکنیم؛ متوجه عاقله او کنیم و این‌که عاقله مسؤولیت تقصیر جانی را بکشد خلاف قضاوت عادلانه و خلاف عقل و عرف است.

پس در قتل ناشی از حوادث آن‌چه مهم است مسئله تقصیر است که ماهیت قتل را از خطا به شبه عمد تغییر می‌دهد، گرچه در نگاه اولیه، این قتل خطای به ذهن خطور کند؛ چون نه جانی نه قصد وقوع فعل بر روی مجنی‌علیه را دارد و نه قصد نتیجه واقع شده را، اما با دقت در حادثه می‌توان مدعی شد که تقصیر و کوتاهی جانی در عدم رعایت مسائل ایمنی و...، این قتل را به شبه عمد تغییر می‌دهد و عادلانه نیست که ما تقصیر جانی را بر عاقله او تحمیل نماییم.

مستند سخن ما ماده ۵۵۷ کود جزای افغانستان و ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی ایران است، که قانون مجازات ایران در قتل ناشی از حوادث رانندگی تصریح به غیر عمدی بودن قتل می‌کند و دیه را در صورت مطالبه اولیای دم، صریحا متوجه جانی می‌داند و نه عاقله او، علاوه بر این‌که برای جانی حبسی را در نظر گرفته است. هم‌چنین قانون جزای افغانستان در ماده ۵۵۷ با شمردن مصادق تقصیر در حادثه رانندگی و با دسته‌بندی جرم واقع شده از جهت اندازه و مقدار جنایت واقع شده؛ صریحا خود جانی را ملزم به جبران خسارت و محکوم به حبس می‌کند. این‌گونه برخورد با جانی فقط با

معیار قتل شبه عمد برابری می‌کند با معیار مجازات‌های قتل خطای محض سازگاری ندارد.

هم‌چنین مستند سخن ما فتوای امام خمینی^(ره) است که در پاسخ از سه سؤال مطرح شده راجع به قتل ناشی از حادثه رانندگی گفته است: «اگر در فرض مزبور تفریط در رانندگی نموده حکم شبه عمد مترتب است و گرنه حکم خطای محض را دارد و صرف نداشتن گواهی‌نامه موجب صدق عمد یا شبه عمد نیست» (خمینی، ۱۴۰۹: ۳، ۴۷۱).

مرحوم امام به مسئله تقصیر اهمیت داده است و گفته است که تفریط در رانندگی باعث می‌شود که قتل ناشی از حادثه رانندگی حکم شبه عمد را داشته باشد و همان مجازاتی را که قتل شبه عمد دارد، همان مجازات برای قتل ناشی از حوادث رانندگی اجرا شود.

هم‌چنین یکی از حقوق‌دانان معاصر، قتل ناشی از تخلفات رانندگی را غیرعمدی می‌داند و در یک قسمت از کتابش اشاره می‌کند: «مجازات قتل غیرعمدی ناشی از تخلفات رانندگی مستنداً به ماده ۷۱۴ حبس از شش ماه تا سه سال است و علاوه بر آن مرتکب به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود» (سپهوند، پیشین: ۱۹۹).

در نقد دیدگاه «مؤذن‌زادگان» که قتل ناشی از حوادث رانندگی را نوع چهارمی از قتل، به‌عنوان در حکم شبه عمد دانسته است، گفته شده است: اولاً اصطلاح «در حکم شبه عمد» یک غلط رایج محسوب می‌شود که در حقوق وارد شده است، زیرا عبارت در حکم شبه عمد که در کلام مرحوم امام^(ره) آمده، به‌معنای دارا بودن حکمی، مانند جنایت شبه عمد است، یعنی در قتل و جرح ناشی از تصادفات رانندگی، باید دیه مانند قتل و جرح شبه عمد از مال خود جانی پرداخت شود و هیچ چیزی بر عهده عاقله نیست، نه این‌که خواسته باشد بگوید نوع جدیدی از جنایت در کنار انواع سه‌گانه قتل حادث شده است.

چنان‌که وقتی گفته می‌شود خبر عادل در حکم علم است، یعنی خبر عادل در حکم حجیت مانند علم خواهد بود، نه این‌که خبر واحد حقیقتاً علم‌آور است؛ ثانیاً قتل در

تصادفات رانندگی از جهت عناصر تشکیل دهنده شاید بر هریک از انواع سه گانه مرسوم انطباق یابد و لزومی برای تأسیس نوع چهارمی برای قتل در تصادفات رانندگی نیست؛ ثالثاً اگر نوع خاصی بود، باید صراحتاً حکم خاص آن هم بیان می شد، زیرا عدم بیان مخالف صریح و ناقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات است (کلانتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۹۶: ۹).

نتیجه

با توجه به مبانی فقهی در مسأله، از جهت مدنی راننده به‌عنوان فردی که جنایت منتسب به فعل اوست، همواره ضامن است، چه مقصر باشد و چه نباشد. مگر آن‌که تلف یا آسیب به مقتول یا خود صدمه دیده مستند باشد. در مورد مسئولیت کیفری جای بحث داشت که ماهیت قتل ناشی از حوادث رانندگی روشن نبود. براینکه این پژوهش، نشان می‌دهد که قتل ناشی از حوادث ترافیکی به علت تقصیر موجود در این حادثه با قتل شبه‌عمد هم‌خوانی دارد و با وجود تقصیر راننده نمی‌توان مسئولیت را بی‌جهت به عاقله جانی تحمیل کرد. البته در اخیر نگارنده ذکر این نکته را خالی از فایده نمی‌داند که اگر تقصیر راننده عمدی باشد می‌تواند قتل عمدی صدق کند و اگر هیچ تقصیری از جانب راننده در حادثه به وجود آمده دخیل نباشد؛ قتل خطای باشد.

فهرست منابع

۱. آزمایش، تقریرات دوره‌ی لیسانس، سال تحصیلی ۶۳-۶۲.
۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۱ش.
۳. خمینی، سید روح‌الله، استفتائات، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ق.
۴. سپهوند، امیرخان، جرایم علیه اشخاص، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ش.
۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، شرح لمعه، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
۶. شفیعی سروستانی، ابراهیم و هم‌کاران، قانون دیات و مقتضیات زمان، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چاپ اول، مرداد ۱۳۷۶ش.
۷. شرتونی، سعید الخوری، اقرب‌الموارد، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
۸. عوده، عبدالقادر، التشریع الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۹. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۱۰. _____، النهایة فی مجردالفقه والفتاوی، بیروت، دارالکتاب العربی، دوم، ۱۴۰۰ق.
۱۱. کد جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۵ش.
۱۲. کلانتری خلیل‌آباد، عباس و دیگران، «ضابطه ضمان راننده در رابطه با تلف و صدمات ناشی از تصادفات رانندگی»، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶.
۱۳. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع‌الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام، قم، دوم، موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.

۱۴. مؤذن‌زادگان، حسن‌علی، «قتل در حکم شبه عمد در قانون مجازات اسلامی»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۳، ۱۳۷۵.
۱۵. مرعشی شوشتری، سید محمدحسن، دیدگاه‌های نو در حقوق، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، مجله مکتب اسلام، «احکام و فلسفه دیات در اسلام»، سال ۲۶، شماره ۱۷.
۱۷. مروارید، علی‌اصغر، سلسله الینابیع الفقهیه، بیروت، موسسه فقه‌الشیعه، الدار الاسلامیه، [بی‌تا].
۱۸. موسوی بجنوردی، سید محمد، «دو نکته از حقوق کیفری»، فصل‌نامه مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۱۱-۱۲، ص ۱۰۲.
۱۹. قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲.
۲۰. قانون اجرائات جزایی افغانستان، مصوب